

معرفی پیراهن یوسفی: شرح و ترجمهٔ مثنوی معنوی به زبان اردو

علیم اشرف خان*

از زمان قدیم مثنوی مولانا روم در هند جایگاه خاصی را ایفا نموده است. در مدارس، مکاتب، دانشگاه‌ها و حتی در مجالس عرفای هند مثنوی رایج بوده. افرادی که مثنوی را با علاقه و ذوق می‌خواندند، گاهی اوقات دربارهٔ مطالب آن دُچار اشکال می‌شدند. به همین دلیل شارحان و مترجمان مثنوی در هند، قرآن زبان پهلوی را به زبان‌های مختلف ترجمه یا شرح نموده‌اند. تراجم مثنوی گاهی منظوم و گاه منثور هم هست. از همین تراجم و شروح چندین شهرت خود را در هند حفظ کرده‌اند. این نکته هم جالب توجه است که اکثراً شروح یا تراجم که به زبان‌های اردو یا فارسی انجام شده است از مطبع نولکشور چاپ شده است، پس می‌توان گفت که خود منشی نولکشور هم نقش مهمی را در تراجم و شروح مثنوی معنوی و فنی و در متن فارسی داشته است. مهم‌ترین از این شروح را می‌توان به‌قرار زیر نام‌برد:

۱. شرح مثنوی مولانا روم، از شاه عبداللطیف، معروف به «لطایف معنوی».
۲. شرح مثنوی مولانا روم، از ملّا محمد رضا معروف به مکاشفاتِ رضوی (هر شش دفتر).
۳. شرح مثنوی مولانا روم، از مولوی ولی محمد اکبرآبادی (هر شش دفتر).
۴. شرح مثنوی مولانا روم، از مولانا حسین بن حسن سبزواری معروف به جواهرالاسرار (دفتر اول تا دفتر سوم).

* دانشیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

این‌ها همه شرح و ترجمه منظوم مثنوی معنوی هست علاوه بر این تراجم منظوم، ترجمه منثور هم انجام شده است.

۵. شرح مثنوی مولانا روم، از مولوی عبدالمجید خان صاحب ساکن پیلی بهیتی (هر شش دفتر).

بنده در این مقاله پیراهن یوسفی را معرفی می‌کنم. این ترجمه مثنوی مولانا روم در شش جلد (اندازه کوچک) و در یک جلد که اندازه‌اش بزرگ است، ترجمه، شرح و چاپ شده است. این ترجمه به‌اهتمام آقای بی.بی. کیور، دبیر مطبع نولکشور در سال ۱۹۴۷ میلادی (عیناً همان سال که هند تجزیه شد) چاپ گردیده است. مترجم و شارح این مثنوی مولوی محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی ولد محمد جلال‌الدین خان ملقب به بانکی میان چشتی نظامی گلشن‌آبادی ساکن ملک مالوه می‌باشد.

در ضمن اندازه پیراهن یوسفی باید عرض شود که پیراهن یوسفی که هر شش دفتر در یک مجلد صحافی شده است دارای ۲۲×۲۷ سم، دارای چهار ستون (حدوداً یک ستون ۳/۵ سم) دو ستون برای متن فارسی و دو ستون برای ترجمه منظوم به‌اردو مختص شده است. هر صفحه دارای سه حاشیه جداگانه یعنی صفحات شماره طاق دارای حاشیه، سمت راست، بالا و پایین و صفحات شماره جفت دارای حاشیه سمت چپ، بالا و پایین (تخمیناً ۳ سم) می‌باشد.

پیراهن یوسفی یک جلدی که این‌جانب مطالعه نموده، ناقص‌الاول است نیز اولین حکایت که در این کتاب ترجمه شده است: حکایت دوم از دفتر چهارم است به‌عنوان «مقام توحید» که صفحه شماره آن «۵» است. این حکایت که حکایت دوم از دفتر چهارم است به‌عنوان «حکایت آن واعظ که در آغاز تذکیر دعای ظالمان کردی آغاز می‌شود و در بیان اعتقاد یهود و نصاری پیش از بعثت در شأن جناب پیغمبر علیه‌الصلوة و السلام و نام او را حرز جان و ظهورش را خواهان بوده» تمام می‌شود. ترجمه منظوم و شرح مثنوی دفتر چهارم بر صفحه شماره ۲۰۲ به‌یک تتمه مترجم که شعر اردو است تکمیل می‌یابد، بیت مترجم این‌طور ثبت است:

اب قلم کو روک تو اے یوسفی زور پر آیا ہے حسن معنوی
چوتھا دفتر کر بنام حق تمام پانچویں دفتر میں کر اب تو کلام

(ترجمہ فارسی بیت مذکور): ای یوسفی تو خامہ خود را یک کمی تعطیل کن چنان کہ حسن معنوی جلوہ گر است دفتر چہارم را بنام حق اتمام بدهید و دربارہ دفتر پنجم باید سعی کرد۔

این ترجمہ یک جلدی بعد از ہر دفتر یک تتمہ دارد و بعد از این دفتر دیگر با فہرست آغاز می شود و شمارہ های صحفات مسلسل نیست، بلکہ ہر دفتر شمارہ های جداگانہ از شمارہ یک آغاز می شود۔ بہ ہمین ترتیب دفتر پنجم با فہرست حقایق و تعلیم دفتر پنجم پیراھن یوسفی ترجمہ مثنوی معنوی با عنوان ذیل شروح شدہ است:

الف: صفحہ، ب: داستان، ج: حقایق بہ مقام حیرت، د: تعلیم دفتر پنجم و این در جمع دارای پنج قصہ است۔

دفتر پنجم بہ مقام حیرت از این بیت آغاز می شود:

شہ حسام الدین کہ نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است
ترجمہ اردو:

شہ حسام الدین کو نور، انجم کا ہے پانچویں دفتر کی بس خواہش رکھی
دفتر پنجم چہنیں یایان می یابد:

ہین بجو تریاق فاروق ای غلام تا شوی فاروق دوران و السلام
ترجمہ اردو:

ڈھونڈھ تو تریاق فارسی اے غلام تا ہو فاروق زمان تو والسلام
دفتر پنجم با ایبات تتمہ پایان می یابد:

اشب خامہ کی روک اب تو لگام کہ کیا ہے تیرے راکب نے مقام
جاننا چاہتے ہیں وہ معقولات کو شش جہت کا تاکہ افشا راز ہو
تاکہ پوری شش جہت کی سیر ہو پختن سے پہونچے نفس ذات کو
بس چھٹی اب تو جہت کو کر رقم شش جہت میں تاترے ہو بیش و کم
پانچویں دفتر کو اب کر تو تمام تا چھٹے دفتر کا ہو آغاز کام

بندہ آخرین بیت را بہ فارسی ترجمہ می کنم:

تو دفتر پنجم را تمام کن برای این کہ دفتر ششم را آغاز کنی۔ این دفتر پنجم حاوی است بر ۲۲۳ صفحہ۔

دفتر ششم باز با ہمہ عناوین بالا کہ قبلاً متذکر شدم آغاز می شود. این دفتر بہ مقام فقر و فنا و از این بیت آغاز می شود:

ای حیاتِ دل حسام الدین بسی میل می جوشد بہ قسم سادسی
ترجمہ اردو:

اے حیاتِ دل حسام الدین سوا جوش اٹھتا ہے لکھو حصہ چھٹا

دفتر ششم در ہشت داستان (حکایت) منقسم است.

دفتر ششم حاوی است بر ۲۳۹ صفحہ و آخرین حکایت بہ عنوان «مَثَلِ وصیتِ کردن آن شخص کہ سہ پسر داشت و وصیت کرد کہ میراث او را بہ کاهل ترین اولاد او دهند». حکایت از این بیت آغاز می شود:

آن یکی شخصی بہ وقتِ مرگِ خویش گفته بُد اندر وصیتِ پیشِ پیش
ترجمہ اردو:

وقت اپنے مرگ کے اس شخص نے بس وصیت میں کہا تھا قبل سے

انجام دفتر ششم بہ عنوان تمثیل می باشد این تمثیل آغاز می شود:

آنچنان کہ گفت مادر بچہ را گر خیالی آیدت در شب فرا

ترجمہ اردو:

جیسے اک مادر نے بچے سے کہا گر خیال آئے تجھے شب میں بُرا

انجام تمثیل بہ این بیت است:

چون فتاد از روزنِ دل آفتاب ختم شد واللہ اعلم بالصواب

ترجمہ اردو:

دل کے روزن سے گیا جو آفتاب ختم ہوئی واللہ اعلم بالصواب

در آخر خاتمہ تصنیف پیراہنِ یوسفی از طرف جناب مصنف مذکور با این ابیات

اردو شروع می شود:

شکر میں اک جھکا تو سر قلم کہ ہوا عالم میں، نے سے تو علم

خاتمہ تصنیف بہ این بیت تمام می شود:

پڑھ درود اب مصطفیٰ پر مدام الصلوٰۃ والسلام والصلوٰۃ والسلام

در حاشیہ صفحہ آخر یادداشتی بہ چنین عنوان ثبت است:

”الحمد لله به عنایت الہی و توجہ معنوی بہ استمداد و اخوی حافظ واحد نور خان ترجمہ لفظی این مثنوی در ظرف چہار سال و شرح مثنوی جمعاً در ہشت سال بہ تاریخ بست و نہم جمادی الثانی ۱۳۰۱ ہجری از نبوی اختتام یافت. دولت ظاہری و باطنی حاصل شد و درآیندہ امیدوار خیر و برکت، نعمت دینی و دنیوی روزافزون شود“.

مترجم و شارح مثنوی در حاشیہ شرح کردہ است کہ:

۱. معنی از قلم وجود روحی و نعمت عظمیٰ برای تعلیم است.
۲. واحد نور خان برادر من ہست کہ در ترجمہ مثنوی معنوی از ابتدای کار تا انتہا مرا دستگیری کردہ است و اگر مدد و کمک او شامل حال من نمی بود این کار بہ اتمام نمی رسید.
۳. من این مثنوی را از ابتدا تا انتہا ترجمہ لفظی انجام دادہ ام و این را از آغاز تا انجام رعایت کردہ ام. در این ضمن ناظرین متوجہ باشند کہ در رعایت ترجمہ لفظی بندہ چقدر زحمت کشیدہ ام.
۴. شکر ارزان شد این اشارہ است در ضمن غیب گویی مولانا روم کہ بندہ در دیباچہ خودم متذکر آن شدہ ام.
۵. تاریخ اتمام این ترجمہ مثنوی «عجیب و غریب» است بدین معنی کہ در سال ۱۲۹۷ ہجری از راہ ابجد و سالی ۱۳۰۱ ہجری سال تکمیل این مثنوی است. یعنی در ۴ سال این شرح بہ تکمیل رسید. پس من معتقدم کہ ناظرین و شایقین محترم این مثنوی و ترجمہ و شرح آن را بہ دعای خیر یاد می کنند و صلہ آن ہمین است. آمین یا رب العالمین.

ابیات اردو کہ بالا دربارہ آن توضیحات دادہ شدہ است، اصل ابیات اردو بہ شرح زیر است:

۱. شکر میں اے جھکا تو سر قلم کہ ہوا عالم میں نے سے تو علم
۲. نور واحد نے مدد کی بس مری ہے وہ واحد نور ظاہر میں انہی
۳. ترجمہ لفظی کا جو پیرو ہوا ضیق میں ہر وقت دل میرا رہا
۴. تب میں جانوں کہ شکر ارزاں ہوئی قافلہ مصری جو لایا یوسفی

۵. بولا ہاتف کیا کہوں تجھ سے حبیب اسکی تاریخ ہے عجیب اور ہے غریب

پیراھنِ یوسفی کہ در اندازہ کوچک چاپ گردیدہ است بہ قرار زیر می باشد:
اندازہ: ۲۳×۱۴ سم. این ترجمہ و شرح در شش مجلد ہست. حدوداً ہمہ جلد
دارای ۲۵۰ تا ۳۲۵ صفحہ است و در سال ۱۹۴۷ میلادی بہ اہتمام آقای بی.بی. کپور
دبیر مطبع نولکشور چاپ شدہ است.

در عہد قدیم و تا حال رواج است کہ ہر کتاب بالعموم و کتاب ہای عربی، فارسی
و اردو بالخصوص دارای تقریظ می باشد. شرح مثنوی کہ بنام پیراھنِ یوسفی این جا
معرفی می شود ہم دارای تقریظ است و تقریظ مفصل بہ زبان اردو بہ چنین عنوان ثبت
شدہ است:

تقریظ پیراھنِ یوسفی ترجمہ مثنوی معنوی مولوی چکیدہ خامہ سید جلال
صاحب اندرابی مصحح مطبع:

کو زلیخا کہ نقد دل دارد یوسفی جلوہ کردہ در بازار

در این تقریظ آقای سید جلال بالواسطہ دربارہ ترجمہ مثنوی معنوی توصیف کردہ
و مدعی شدہ است کہ این ترجمہ مولوی محمد یوسف علی شاہ یکی از بہترین
ترجمہ منظوم مثنوی مولانا است حتی دربارہ ترجمہ مثنوی در بین توصیف و تعریف
اردو بیت دیگر از فارسی ہم آورده است:

میرس از ذوق گفتارم کہ از لب خون چکید این جا

زبان خود می کشد شمشیر و خود گردد شہید این جا

ہمہ عبارات تقریظ مملو از استعارات و تشبیہات کہ در نثر مایل بہ نظم نگاشته
شدہ است.

صاحب تقریظ یادآور شدہ است کہ عارف معارف حقیقت مولوی محمد یوسف
علی شاہ گلشن آبادی ساکن مالوہ در طول ہشت سال موفق شدہ است کہ ترجمہ
منظوم با شرح اردو را تکمیل کردہ است. نیز وی سعی عمدہ نمودہ است کہ ہر بیت
مثنوی را در یک بیت کامل اردو ترجمہ کند وی در ترجمہ خود دلاویزی نظم را از دست
ندادہ است.

خود مترجم و شارح مذکور این کار خود را به نام دستنبوی شریعت، هادی طریقت، فجر حقیقت و آینهٔ عجیب معرفت یاد کرده است. مولوی یوسف علی شاه سعی بلیغ بر این نموده است که ترجمه و شرح او در بین مثنوی خوانان معروف و مشهور شود.